



مجموعہ آثار

علامہ سید مرتضیٰ عسکری

برگسترہ کتاب و سنت

مترجم: محمد جواد کرمی



اہل البیت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برکات و فضائل کتاب و سنت

اهل البيت

تأليف: علامہ سید مرتضیٰ عسکری

ترجمہ: محمد جواد کرمی

تصحیح و تنظیم: کرمرضا خزلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا). (سوره احزاب، آیه ۲۱)
به راستی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای شما
اسوه و سرمشق نیکویی است، برای آنان که به خدا و روز
قیامت امید داشته و خدا را بسیار یاد می کنند.

مقدمه ناشر:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(الحمد لله رب العالمين كثيراً كما هو أهله، و الصلاة والسلام على محمد وآله الطيبين الطاهرين، سيما بقیة الله فی العالمین، واللعنة على أعدائهم ومخالفیهم و منكری فضائلهم).

همانا انبیای الهی و در پی ایشان اوصیای آنها و در دوران غیبت علمای دین گشایندگان راه و روشن کنندگان مسیر الی الله هستند. مثل آنها مانند ماه و ستارگان در شب تاریک و ظلمانی است. سوسو زنان هدایتگر جا ماندگان در راهند.

انبیا و اوصیای ایشان طلیعه داران این مکتبند. علما و فقهاء پیروان ایشانند در دوران غیبت در شناسایی سیره انبیا و اوصیا که حقیقت اسلام است و در اعمال و حرکات و گفتار آنان تجسم شده است. این علما و فقهاء هستند که سره و ناسره را از هم جدا کرده و به کنکاش در حقیقت اسلام پرداخته و آن را در اختیار مردم قرار می دهند تا آنان را از غرق شدن در گرداب جهالت نجات دهند.

حضرت آیت الله علامه عسکری یکی از این شخصیت‌های نادر در جامعه اسلامی تشیع است که عمر شریف و با برکت خود را در تحقیق و تدبر در شناخت اسلام مکتب **اهل بیت (علیهم السلام)** گذرانده است. ایشان مباحث دینی را از جایگاه برخورد‌های سطحی به عمق تحقیق علمی کشاند و به دور از تعصبات مذهبی و با ادله مورد قبول دو مکتب **اهل بیت (علیهم السلام)** و مکتب خلفا به دفاع از مذهب تشیع پرداخت.

بدین سبب تألیفات معظم له در سراسر جهان اسلام اشتها خاصی یافته و به زبانهای مختلف ترجمه و منتشر گردیده است.

کتاب حاضر تدوین شده هفده جزوه بر گستره کتاب و سنت است که در سالهای قبل به صورت مجزا و در قطع جیبی چاپ گردیده است و شامل بررسی و پاسخهای جامع و مانع ایشان از مصادر و کتب معتبر اهل سنت به مسائل مطرح شده آنها علیه مکتب **اهل بیت (علیهم السلام)** است.

موسسه علمی فرهنگی علامه عسکری در جهت حمایت مادی و معنوی از فعالیتها و آثار علامه عسکری و گسترش هرچه بیشتر دامنه این فعالیتها در فعالیتها در سطح جوامع اسلامی تشکیل شده است.

روابط عمومی موسسه علمی فرهنگی علامه عسکری

مقدمه

(وحدت بر محور کتاب و سنت)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ
السَّلَامُ عَلَى أَصْحَابِهِ الطَّيِّبِينَ الْمَيَامِينَ).

ما مسلمانان یکپارچه، از درون و از راه مسائل اختلافی با خود به نزاع
برخاستیم و دشمنان اسلام از برون و از راهی که ندانستیم، وحدتمان را به
تفرقه و شوکتان را به ضعف کشاندند تا از دفاع ناتوانمان کردند و بر ما
چیرگی یافتند؛ در حالی که خدای سبحان فرموده است:

(وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجَاكُمْ) (۱)

خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که ناتوان
شوید و قدرت و شوکت شما برود!

پاورقی:

۱- سوره انفال، آیه ۴۶.

آری:

(وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ) (۱)

هر مصیبتی به شما رسد، دستاورد خودتان است و خداوند بسیاری را نیز، می بخشد!

پس شایسته آن است که امروز و هر روز، به « کتاب و سنت » بازگردیم و وحدت کلمه خود را بر محور « کتاب و سنت » باز یابیم که خدای متعال می فرماید:

(فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ) (۲)

اگر در چیزی نزاع کردید [حکم] آن را به خدا و رسول بازگردانید.

ما نیز، در این سلسله از بحثها به « کتاب و سنت » مراجعه کرده و ابزار روشننگر راهنما در مسائل مورد اختلاف را از « کتاب و سنت » می گیریم تا به اذن خدای متعال بار دیگر وسیله وحدت کلمه و یکپارچگی شود. امیدواریم دانشمندان و متفکران اسلامی نیز، در این میدان با ما همراهی نموده و دیدگاههای خود را برای ما ارسال دارند.

سید مرتضی عسکری

پاورقی:

۱- سوره شوری، آیه ۳۰.

۲- سوره نساء، آیه ۵۹.

اهل البيت



اهل البيت همان بزرگوارانی هستند که خداوند تبارک و تعالی درباره ایشان فرمود:

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيرًا).

خداوند اراده فرموده پلیدی و گناه را از شما اهل بیت - خاندان نبوت - بزدايد و شما را پاک و منزّه فرمايد.

در شأن نزول این آیه کریمه از ام المؤمنین ام سلمه و اصحاب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): عبدالله بن جعفر و وائله بن الاسقع و عبدالله بن عباس و عمر فرزند ام سلمه و ابوسعید خدری و انس بن مالک و دیگران روایت کرده اند که پیامبر در خانه ام سلمه بودند که آثار رحمت خدا را مشاهده فرمودند، حسن و حسین (علیهما السلام) را خواستند و بر دو زانوی خود نشانیدند و علی (علیه السلام) و فاطمه را پیش خود و کساء یمانی را بر روی خود و ایشان پوشانیدند و آیه مورد اشاره در گذشته درباره ایشان نازل شد.

ام سلمه که خارج از اتاق نشسته بود به پیامبر عرض کرد: آیا من از اهل بیت

نیستیم؟ پیامبر فرمود: شما بر خیر و خوبی هستی، شما از بانوان پیامبری یعنی از اهل بیت نیستی. (۱)

بنابر این تصریح پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، اهل البیت: پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین می باشند.

شیعیان اهل بیت کیانند

در کتاب لغت المعجم الوسیط گوید: الشیعة: الاتباع و الانصار. بنابر این تعریف در صفحات بعدی باذنہ تعالی شیعیان را معرفی می نماییم. پروردگار عالم شریعت اسلام را بر خاتم پیامبرانش (صلی الله علیه و آله) به دو گونه وحی نازل فرمود. چنانکه فرموده است:

(أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا). (۲)

نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب به پا دار و نماز صبح را نیز به جای آور که نماز صبح مشهود است. (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ). (۳)

پاورقی:

۱- این روایت در تفسیر آیه در تفاسیر طبری، ابن کثیر و سیوطی، و فضایل اهل البیت در صحیح مسلم و دهها سند دیگر آمده است. رجوع شود به رساله حدیث الکساء مؤلف.

۲- سوره اسراء، آیه ۷۸.

۳- سوره بقره، آیه ۱۸۳.

ای کسانی که ایمان آورده اید روزه بر شما واجب شده همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند واجب شده بود.

در آیه اول با وحی قرآنی دستور به پا داشتن نماز ظهر و صبح داده شده است. و در آیه دوم دستور روزه داشتن در ماه رمضان. و همراه هر یک از دو وحی قرآنی نیز تفسیر آن بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) وحی می شده است.

در مورد اول عدد رکعات نمازهای پنج گانه و اذکار و کیفیت رکوع و سجود و سایر احکام آن با وحی غیر قرآنی بیان شده است. ما این وحی دوم را وحی بیانی می نامیم.

و در مورد دوم نیز مبطلات روزه و وجوب آن در سن بلوغ و دیگر احکام با وحی غیر قرآنی بیان شده است. در شریعت خاتم الانبیاء احکام اسلام اینگونه با دو وحی بیان شده است.

وحی اول همان قرآن کریم است که عین الفاظ آن را رب العالمین به وسیله وحی با جبرائیل (علیه السلام) بر خاتم پیامبران نازل فرموده و پیامبر آیه ها و سوره های قرآن و بیان و توضیح و تفسیر آن را به صحابه ای که پیرامون ایشان بودند تبلیغ می فرمودند و هر یک از صحابه که می توانست بنویسد هردو وحی، یعنی اصل الفاظ قرآن و بیان آن را می نوشتند.

و نیز هر چه بر پیامبر از قرآن و بیان آن وحی می شد هر یک از صحابه را که می توانست بنویسد می طلبیدند و دستور می دادند بر هر چه آماده بود از کاغذ و تخته و پوست حیوان و مانند آنها می نوشت و آن نوشته ها را در منزل خود نگاه می داشتند.

همچنان هر چه غیر از قرآن بر پیامبر وحی می شد به هر مسلمانی که نزد ایشان حاضر بود تبلیغ می فرمودند و بعضی از صحابه که توانایی داشتند آن

حدیث پیامبر را می نوشتند. رب العالمین اینگونه شریعت اسلام را بر پیامبرش وحی می فرمود و پیامبر اینگونه آن را به همگان تبلیغ می فرمود. و با این تبلیغ همگانی و ثبت و ضبط دقیق آن، شریعت اسلام تبلیغ و حفظ می شد.

و اضافه بر همه آنچه گفتیم مسلمانان تجسم شریعت اسلام را در عملکرد پیامبر مشاهده می کردند و این آن چیزی است که مسلمانان آن را سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) می نامند. و گاه نیز پیامبر (صلی الله علیه و آله) عملی از اعمال دینی را مثلاً وضو گرفتن یا نماز خواندن و دیگر احکام اسلامی را از صحابه یا خویشان خود می دیدند و آن را انکار نمی فرمودند. یعنی آنگونه عمل کردن به احکام را می پسندیدند که در اصطلاح فقهی آن را تقریر پیامبر می نامند. مجموع فعل و قول و تقریر آن حضرت « سنت پیامبر »، نامیده می شود. چنانکه نص قرآن در اصطلاح « کتاب الله » نامیده می شود، بنابراین شریعت اسلام عبارت است از آنچه در کتاب خدا و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمده است و همه مسلمانان از عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) تا به امروز بر عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر اتفاق نظر دارند.

موارد اختلاف مسلمانان

مسلمانان در دو مورد اختلاف عقیده دارند:

یکم: در تفسیر بعضی آیات کتاب خدا و فهم معانی آن.

نمونه اول: اختلافشان در مورد معنای: « وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ » در آیه ۲۵۵ از سوره بقره است که آن را گروهی از پیروان مکتب خلفا کرسی می

دانند و تختی که خداوند بر روی آن نشسته است. (۱) و شیعیان **اهل بیت** طبق تعلیم ائمه **اهل بیت** پیامبر معنی کرسی را علم دانسته و تفسیر می کنند و کلمه مزبور در لغت عرب نیز به این معنی آمده است. طبق این تفسیر معنی آیه «وسع علمه السموات...» می شود.

نمونه دوم: اختلاف در تفسیر آیه: «يَوْمَ يَكْشَفُ عَنْ سَاقٍ» می باشد که گروهی از پیروان مکتب خلفا روایت کرده اند در روز قیامت باری تعالی «ساق پای» خود را به مسلم آنان نشان می دهد و ایشان خدا را بدین وسیله می شناسند و به دنبال او روانه بهشت می شوند. این دسته و گروه، اینگونه خدا را دارای جسم و مکان می دانند. اما شیعیان **اهل بیت** به پیروی از ائمه **اهل بیت**، خدا را منزله از جسم و مکان می دانند.

نمونه سوم: در عصمت انبیا و رسل اختلاف عقیده دارند؛ چه آنکه پیروان مکتب خلفا ایشان را تنها معصوم در تبلیغ وحی می دانند و در غیر امر تبلیغ وحی معصوم نمی دانند. در حالی که شیعیان انبیا و رسل و اوصیای ایشان را از به جا آوردن هر معصیتی معصوم می دانند.

دوم: در سنت و راه دریافت آن اختلاف دارند. پیروان مکتب خلفا همه صحابه را عادل می دانند و سنت پیامبر را از همه کسانی که نام صحابی دارند می گیرند و در این باره از پیامبر روایت می کنند: «أَصْحَابِي كَالنَّجْمِ، بَأْيُهُمْ أَفْتَدَيْتُمْ اهْتَدَيْتُمْ»؛ اصحاب من همانند ستارگانند، به هر کدام اقتدا کردید، هدایت می پاورقی:

۱- تفسیر آیه در تفسیر طبری و ابن کثیر.

شوید.»

این در حالی است که در میان صحابه کسانی بودند که به هم بستر پیامبر العیاذ باللّٰه تهمت زدند و قرآن درباره ایشان می فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ)؛ مسلماً کسانی که آن تهمت بزرگ را زدند گروهی از شما بودند... (۱)

و علاوه بر این در سوره توبه به طور کلی می فرماید:

(وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ). (۲)

و بعضی از اهل مدینه منافقند و بر این نفاق چنان ماهر و کارگشته اند که تو از نفاقشان آگاه نیستی؛ ما آنها را می شناسیم.

البته پیام بر (صلی الله علیه و آله) برای شناسایی مؤمن از منافق یک علامت بسیار واضح و آشکار معرفی فرمود. و آن حبّ امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بود که آن را دلیل بر ایمان و بغض و دشمنی با ایشان را دلیل بر نفاق دانستند. (۳) به این دلیل است که شیعیان اهل بیت تفسیر قرآن و سنت پیامبر را از دشمنان علی یعنی کسانی مانند معاویه و عمروعاص و خوارج نهروان نمی گیرند و از صحابه ای که دوستدار اهل بیت هستند اخذ حدیث می کنند. پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز حدیث پیامبر و تفسیر قرآن را از دوازده امام دریافت می کنند زیرا این دوازده بزرگوار هر چه بگویند با سند از

پاورقی:

۱- سوره نور، آیه ۱۱.

۲- سوره توبه، آیه ۱۰۱.

۳- در این باره از بازده صحابی پیامبر در صحیح مسلم و سنن ترمذی و ابن ماجه و نسائی و مسند احمد و دیگر کتب معتبر مکتب خلفا روایت شده است. به بحث ضابطه شناخت مؤمن از منافق در جزء اول معالم المدرستین رجوع شود.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل می نمایند این امامان عبارتند از:

- ۱- علی ابن ابی طالب
- ۲- حسن بن علی، سبط الرسول
- ۳- حسین بن علی، سبط الرسول
- ۴- علی بن الحسین السجاد
- ۵- محمد بن علی الباقر
- ۶- جعفر بن محمد الصادق
- ۷- موسی بن جعفر الکاظم
- ۸- علی بن موسی الرضا
- ۹- محمد بن علی الجواد
- ۱۰- علی بن محمد الهادی
- ۱۱- الحسن بن علی العسکری
- ۱۲- الحجة بن الحسن العسکری

و بدین سبب ایشان شیعیان **اهل بیت** می باشند و با این نام معرفی می شوند.

شیعیان **اهل بیت** پیامبر تفسیر قرآن و سنت پیامبر و همه عقاید و احکام شریعت اسلام را از این دوازده وصی پیامبر، به دو دلیل اخذ می کنند.

دلیل اول: آنکه خدا و پیامبر آنها را پس از پیامبر آماده ادای این مسئولیت عظیم نموده اند. واسطه این آماده سازی اولین امام و اولین وصی پیامبر حضرت علی (علیه السلام) بود.

چگونگی آماده سازی علی (علیه السلام) برای ادای مسئولیت

تبلیغ پس از پیامبر

قبل از بعثت پیامبر در مکه قحط سالی شدید شد. حضرت ابوطالب که شیخ قریش بود در آن سالها به سبب مهمانداری حجاج بیت الله فقیر شده بود و بار عائله پرجمعیت بر دوش ایشان سنگینی می کرد. پیامبر که به واسطه ازدواج با خدیجه یک خانواده متمکن بودند و عباس عموی پیامبر که تاجر و ثروتمند بود برای کم کردن عائله حضرت ابوطالب از ایشان خواستند که هر کدام یکی از فرزندان وی را تحت تکفل بگیرند و از سنگینی عائله او بکاهند. حضرت ابوطالب پذیرفت، عباس جعفر را به خانه خود برد (۱) و پیامبر علی را. حضرت علی در این باره می فرماید: (۲)

«او مرا که کودکی بودم در کنار می گرفت و به سینه خود می چسباند و در رختخواب خود می خوابانید. و از بوی خوش بدنش برخوردارم می کرد. چندان کوچک بودم که غذا را در دهان خود نرم می کرد و در دهان من می گذاشت. او سخنی به گزافه و دروغ از من نشنود و کاری ناشایسته از من مشاهده ننمود.

پاورقی:

۱- مستدرک حاکم بر صحیحین، ج ۳، ص ۵۷۶؛ سیره ابن هشام ج ۱، ص ۲۴۶، چاپ مصر،

۱۳۷۵.

۲- رجوع شود به خطبه قاصعه در نهج البلاغه.

خداوند از همان هنگام که پیامبر را از شیر بازگرفتند، با فرشته ای از بزرگترین فرشتگانش همراه فرمود تا او را روزها و شبها به راه بزرگواریها و سیرت و اخلاق نیکوی راهبر باشد و من هم حضرتش را پیروی می کردم. او در هر سال مدتی را در حراء می گذارنید و من تنها کسی بودم که او را در آن ایام می دیدم و به جز من کسی دیگر او را نمی دید. در آن روزگار، اسلام در یک خانه بود: خانه پیغمبر و خدیجه که سومینشان من بودم. نور وحی و رسالت را می دیدم و بوی نبوت را استشمام می کردم.

به هنگام نزول نخستین وحی بر آن حضرت، صدای ناله ای را شنیدم و از آن حضرت جويا شدم، به من فرمود: این ناله شیطان است از اینکه مورد پیروی قرار بگیرد، مأیوس و ناامید شده است. تو آنچه را که من می شنوم، می شنوی و آن را که می بینم، می بینی. جز آنکه تو پیغمبر نیستی، بلکه وزیر و یاور من در امر رسالت می باشی.»

و آنگاه که حضرت علی (علیه السلام) بزرگسال شد هر روز صبح و شام برای تعلیم گرفتن هر چه از قرآن و اسلام نازل شده بود به خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) می رسید و دستور جلسات چنین بود که خود فرموده:

« من سحرگاهان هر روز به خدمت پیامبر می رسیدم و از پشت در می گفتم: «السلام علیک یا نبی الله» اگر آن حضرت آهسته و آرام سرفه می کرد به خانه برمی گشتم و گرنه وارد می شدم.» (۱)

در این ملاقاتها پیامبر هر چه از وحی که پس از دیدار قبلی نازل شده بود به

ایشان تعلیم می کرد. در این دیدارها پیامبر (صلی الله علیه و آله) به پسر عمویش (علیه السلام) دستور نوشتن داد و فرمود:

« آنچه را به تو می گویم بنویس، علی پرسید: ای رسول خدا! از آن می ترسی که فراموش کنم؟ فرمود: نه، از خدا خواسته ام حافظه ات را نیرو بخشد و تو را دچار فراموشی نگرداند، آن را برای شریکانت یعنی امامان بعد از خودت بنویس و با اشاره به امام حسن فرمود: این نخستین آنان است و به امام حسین فرمود: امامان [بعدی] از فرزندان حسین هستند ». (۲)

آن دست نوشت علی (علیه السلام) و املاء پیامبر کتابی به شکل طوماری شد که نامش « جامعه » بود. این کتاب همراه با قرآن و تفسیری که در خانه پیامبر بود از جمله موارث نبوت هستند که به اوصیای ایشان رسیده است.

رجوع ائمه اهل البيت (علیهم السلام) به جامعه

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

« جامعه در نزد ماست: املائی پیامبر (صلی الله علیه و آله)

پاورقی:

-
- ۱- سنن نسائی، باب التَّنَحُّج فی الصلاة؛ سنن ابن ماجه، باب استئذان کتاب الادب؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۵۸ و ۱۰۷.
- ۲- امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۵۶.

است که از دو لب شریفش بیرون آمده و علی آن را به دست خود نوشته است حلالها و حرامها و هر چه را مردم به آن نیاز داشته باشند در آن است». (۱)

مردی از امام صادق (علیه السلام) مسأله ای را پرسید و آن حضرت جوابش را فرمود. آن مرد پرسید: به نظر شما اگر امر چنین باشد رأی شما چیست؟ حضرت فرمود: ساکت شو پاسخی که به تو دادم از پیامبر خداست. (۲) خداوند حلال و حرام را و تأویل قرآن را به پیامبرش آموخت و رسول خدا همه آنها را به علی آموخت. (۳)

دوازده امام اهل بیت (علیهم السلام) از کتاب جامعه برای اصحابشان احکام خدا را نقل می کردند و از تفسیر قرآنی که در منزل پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود حدیث می فرمودند و اصحاب ایشان آنچه از ایشان فرا می گرفتند در رساله هایی می نوشتند و آن رساله ها در علم حدیث «اصل» نامیده شده که در زمانی شماره آنها به چهارصد «اصل» رسیده و چهار کتاب کافی و من لایحضره الفقیه و استبصار و تهذیب، از آن اصول نقل حدیث نموده اند و پس از ایشان علمای مکتب اهل بیت (علیهم السلام) به آن کتب رجوع می نمایند.

پاورقی:

۱- کافی، ص ۱۴۲، ۱۴۹ و ۱۵۴.

۲- کافی، ج ۱، ص ۵۸.

۳- بصائر الدرجات، ص ۲۹۰.

سند روایت در مکتب اهل بیت (علیهم السلام)

املاء خاتم الانبیاء

جامعه امام علی

روایات دوازده امام از اهل بیت (علیهم السلام)

اصول و رساله های کوچک حدیث

الفقیه التهذیب الاستبصار کافی

رساله های فقهی مکتب اهل بیت (علیهم السلام)

دلیل دوم: روایتهایی است که از پیامبر اکرم درباره آنها رسیده است و ما در اینجا به چند روایت که در کتب معتبره پیروان مکتب خلفا آمده اکتفا می کنیم.

یکم: روایتهایی که از پیامبر اکرم درباره امام اول علی بن ابی طالب آمده است.

در سال سوم از بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آنگاه که از جانب پروردگار مأمور به دعوت به اسلام شد و آیه « وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ؛ (۱) خویشان نزدیک خود را از خدا بترسان » نازل شد، پیامبر دستور داد پسر عمویش، علی بن ابی طالب طعامی آماده ساخت و بنی عبدالمطلب را دعوت کرد. پس از صرف طعام، عمویش ابولهب پیش دستی کرد و نگذاشت پیامبر

پاورقی:

۱- سوره شعراء، آیه ۲۱۴.

سخنی بگوید، مجلس پیامبر به هم خورد، پیامبر (صلی الله علیه و آله) دعوت به طعام را تکرار کرد و در بار دوم پس از صرف طعام ایشان را به اسلام دعوت کرد و از ایشان در تبلیغ رسالت کمک خواست و فرمود:

(أَيُّكُمْ يُوَاظِرُنِي عَلَى هَذَا الْأَمْرِ فَيَكُونُ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي
فِيكُمْ مِنْ بَعْدِي).

کدام یک از شما مرا در این امر یاری می کند تا برادر من و وصی من و خلیفه من در میان شما باشد.

همه از آن پیشنهاد سر باز زدند و رو گردانیدند. علی بن ابی طالب که از همه آنها خردسالتر بود در جواب پیامبر گفت: من یا رسول الله! وزیر شما، یار و کمک شما در این امر خواهم بود.
در این حال پیامبر دست برد و گردن علی را گرفت و فرمود:

(إِنَّ هَذَا أَخِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي فَيَكُم فَاَسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا).
این برادر من و وصی من و جانشین من در میان شما است، فرمانش را بشنوید و از او اطاعت کنید.

ایشان (خویشان پیامبر) از جا برخاستند و خنده کنان به ابوطالب که شیخ و بزرگشان بود گفتند: پسر برادرت دستورت داد، گوش به فرمان پسرت و فرمانبردارش باشی. (۱)

پاورقی:

۱- این داستان در تاریخ طبری، ط اوربا، ج ۱، ص ۱۱۷۱ - ۱۱۷۲؛ ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۲۲؛ ترجمه حال حضرت علی در تاریخ ابن عساکر و دیگر مدارک معتبر مکتب خلفا آمده است. رجوع شود به بحث اهتمام الرسول به تعیین ولی الامر من بعده، معالم المدرستین، ج ۱.

و این خود اولین بار بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله) اعلان به دعوت رسالت خود نموده و در همان مجلس در مکه وصی و خلیفه خود را تعیین فرمود، و پس از آن پیامبر اکرم مکرر پسر عم خود، علی را وصی و جانشین خود معرفی نموده و جمعی از صحابه هر یک آنچه را در این باره شنیده روایت نموده اند.

سلمان فارسی

روایت می کند که به پیامبر عرض کردم: هر پیامبری وصیی دارد، وصی شما کیست؟ در آن وقت پاسخ نداد و مدتی بعد که مرا دید فرمود:

ای سلمان!

به سوی حضرتش شتافتم و لبیک گفتم.

فرمود: می دانی وصی موسی که بود؟

عرض کردم: آری، یوشع بن نون بود.

فرمود: برای چه او وصی بود؟

گفتم: برای آنکه او داناتر و عالمتر از همه ایشان بود.

فرمود:

«وصی من و حامل سرّ من و بهترین کسی که پس از خود بر

جای می گذارم و وعده های مرا وفا می کند و دین مرا ادا می کند

علی بن ابی طالب است». (۱)

پاورقی:

۱- معجم کبیر، طبرانی، ج ۶، ص ۲۲۱؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۳؛ و دیگر مدارک آن در

بحث «وصی الرسول...» در جلد اول معالم رجوع فرمایید.

ابوسعید خدری انصاری

روایت کرده که رسول الله فرمود: «وصی من و سرّ نگهدار من و بهترین کسی که پس از خود بر جای می گذارم که وعده مرا وفا می کند و قرض مرا ادا می کند علی بن ابی طالب می باشد.»

انس بن مالک انصاری

روایت نموده که: پیامبر وضو گرفت و دو رکعت نماز خواند و فرمود: اولین کس که از این در وارد می شود امام متقیان و سید (آقای) مسلمانان و رئیس و بزرگ دین و خاتم الوصیین است.
علی که آمد پیامبر فرمود: انس که آمد؟
گفتم: علی.

پیامبر خرسند برخواست و دست به گردن علی انداخت... (۱)

وزیر النبی (صلی الله علیه و آله)

صحابی شهیر سعد وقّاص روایت نموده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود:

(أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا

پاورقی:

۱- تاریخ ابن عساکر، ج ۲، ص ۴۸۶؛ حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۶۳.

نُبُوَّةٍ مِّن بَعْدِي). (۱)

آیا خشنود نیستی که از من مانند هارون از موسی باشی جز آنکه پیامبری پس از من نیست.
این فرمایش پیامبر اشاره است به قول کلیم الله، موسی بن عمران (علیه السلام) آنگاه که به خداوند عرض کرد:

وَاجْعَلْ لِّي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي * هَارُونَ أَخِي * اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي * وَ
أَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي). (۲)

از اهل بیت من وزیری معاون من فرما، برادرم هارون را به او
پشتم را محکم کن، و او را در امر رسالت با من شریک فرما.

پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) نیز علی (علیه السلام) را وزیر خود خواند
مانند حضرت موسی (علیه السلام) که برادرش هارون وزیرش بود. به استثنای
نبوت، چه آنکه پیامبر، خاتم پیامبران بود.

بنابر این فرمایش پیامبر (صلی الله علیه و آله): مقام علی (علیه السلام) با
پیامبر (صلی الله علیه و آله) همانند مقام هارون با موسی بن عمران بوده است.
حدیثهایی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حق علی (علیه السلام)
فرموده است بسیار است، ما در اینجا به نقل حدیث غدیر اکتفا می نمایم.

پاورقی:

۱- صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰؛ سنن ترمذی، ج ۱۳، ص ۱۷۱؛ مستدرک صحیحین حاکم، ج

۳، ص ۱۰۸ و ۱۰۹.

۲- سوره طه، آیات ۲۹ - ۳۲.

حدیث غدیر خم

در مسند احمد و سنن ابن ماجه و مستدرک حاکم بر صحیحین و دیگر مدارک حدیثی و تفسیری مکتب خلفا آمده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در بازگشت از حجة الوداع به غدیر خم که رسید این آیه بر ایشان وحی شد:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ). (۱)

ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده، تبلیغ کن؛ و اگر نکنی رسالت او را انجام نداده ای. خداوند تو را از [آزار] مردم نگاه می دارد.

و با وحی بیانی مقصود از «ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ فِي عَلِيٍّ» بیان فرمود. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در همان صحرا از شتر پیاده شد و دستور فرمود حاجیان پیش رفته بازگردند و عقب مانده ها رسیدند. پس از ادای نماز ظهر بر منبری از پالانهای شتر برآمد و در خطبه خود فرمود:

پاورقی:

۱- سوره مائده، آیه ۶۷.

« من دو گرانمایه میان شما می گذارم کتاب خدا و عترتم **اهل بیت** را و خدای لطیف مرا خبر داد که این دو از هم جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. بر آن دو پیشی نگیرید که هلاک می شوید و از آن دو واپس نمانید که هلاک می شوید. چیزی به آنها نیاموزید که آنها از شما آگاه ترند. »

آنگاه فرمود:

« آیا می دانید که من از همه مؤمنان بر نفس مؤمنان اولی و مقدمتر هستم؟ »

مردم بانگ برآوردند: آری یا رسول الله! در این گاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) دست علی (علیه السلام) را گرفت و او را بلند کرد به طوری که زیر بغل هر دو نمایان شد، آنگاه فرمود:

« خداوند مولای من است و من مولای شما هستم، هر کس که من مولای او هستم این علی مولای اوست. »

پس از آن دست به دعا برداشت و فرمود:

« اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ. »

خدایا دوستدارش را دوست بدار و دشمنش را دشمن شمار و یاورش را یاری کن و واگذارنده اش را خوار فرما.

پس از تعیین علی (علیه السلام) به مقام ولایت پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، این آیه نازل شد:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ
الْإِسْلَامَ دِينًا).

امروز دین شما را برای شما کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام
نمودم و دین اسلام را برایتان پسندیدم.

پس از آن پیامبر (صلی الله علیه و آله) عمامه سیاه خود را که هفت دور سر
بود و نامش را «سحاب» نامیده بود و در مراسم خاصی مانند روز فتح مکه بر
سر می نهاد، بر سر علی (علیه السلام) بست.
آنگاه صحابی عمر بن الخطاب به آن حضرت چنین تبریک گفت:

(بَخَّ بَخَّ لَكَ يَا عَلِيُّ أَصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ).
به به به تو ای علی که مولای من و مولای هر مؤمن و مؤمنه ای
گردیدی.

در داستانی دیگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

(عَلِيٌّ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ، لَا يُؤَدِّي عَنِّي إِلَّا أَنَا أَوْ عَلِيٌّ).
علی از من است و من از علی هستم، کسی از سوی من تبلیغ
نمی کند جز خودم یا علی.

و فرمود:

(أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ
بَابِهَا).

من شهر علم هستم و علی دروازه آن شهر است. هر کس شهر
علم را بخواهد از در آن وارد شود.

و به حضرت علی (علیه السلام) فرمودند:

(أَنْتَ تَبَيَّنَ لَأُمَّتِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ بَعْدِي).

شما بعد از من برای امت من بیان می کنی آنچه را در آن اختلاف دارند.

و نیز پیامبر (صلی الله علیه و آله) شماره جانشینان پس از خود را دوازده نفر به شماره نقبای بنی اسرائیل تعیین فرموده و فرمود: دنیا پس از ایشان سرنگون می شود.

شماره ای که پیامبر فرموده جز بر دوازده وصی پیامبر (صلی الله علیه و آله) علی (علیه السلام) و یازده فرزندش صدق نمی کند و دوازدهمین ایشان حضرت مهدی (عج) می باشد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره او فرموده است:

«مهدی از ما اهل بیت می باشد».

«مهدی از عترت من از فرزندان فاطمه می باشد».

«اگر از دنیا نمانده باشد مگر یک روز، خداوند آن روز را طولانی می نماید تا آنکه مردی از فرزندان مرا که با من هم نام باشد برانگیزد».

آنگاه پیامبر دست خود را بر پشت حسین گذاشت و فرمود:

«از این پسر».

در تاریخ ابن کثیر می گوید: در توراتی که در دست یهودیان است آمده که از نسل اسماعیل فرزند ابراهیم (علیه السلام) دوازده عظیم بزرگوار به ظهور می رسند و اینکه ابن تیمیه گفته است این دوازده نفر همان دوازده نفر است که در روایت پیامبر آمده است.

و ابن تیمیه گفته است: بیشتر یهودیانی که مسلمان شده اند، معتقدند که این دوازده نفر همان دوازده نفری هستند که رافضه می گویند و شیعه شده اند.

سرگردانی علمای مکتب خلفا در تشخیص دوازده جانشین پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

روایات دوازده جانشین پس از پیامبر و اینکه پس از ایشان دنیا به آخر می رسد در کتابهای صحیح بخاری و مسلم و مستدرک حاکم و فتح الباری در شرح بخاری و کتابهای سنن ابوداود و ترمذی و مسند طایلسی و احمد و دیگر کتابهای مکتب خلفا آمده است.

ابن العربی در شرح سنن ترمذی پس از آنکه خلفا را از ابوبکر می شمارد سپس می گوید اگر دوازده خلیفه که اسمشان خلیفه بوده است شماره کنم می شوند: ابوبکر، عمر، عثمان، علی، حسن، معاویه، یزید، معاویه بن یزید، یزید بن عبدالملک،... که می شوند هفتاد نفر و چنانچه معنی خلیفه را در نظر بگیریم، می شود: چهار خلیفه اول و عمر بن عبدالعزیز. بعد می گوید معنای حدیث را نفهمیدم.

و همچنین علمای دیگر مکتب خلفا در مقصود از دوازده جانشین پیامبر سرگردان شده اند.

و این بدان سبب است که دوازده جانشین پیامبر که در احادیث صحیح آمده بر خلفایی که پس از پیامبر تا زمان بنی العباس حکومت کردند صدق نمی کند و آنها نخواستند بپذیرند که مقصود پیامبر (صلی الله علیه و آله) همان دوازده امام از اهل بیت یعنی: علی و یازده فرزندش می باشند که شیعیان از ایشان پیروی

می کنند و بدین سبب دچار درماندگی و سردرگمی شدند. لیکن شیعیان مصداق قول شاعر هستند که گفته:

فوال اناسا قولهم و حدیثهم

روی جدنا عن جبرئیل عن الباری

« پیروی کن از آنان که قولشان و حدیثشان این است که: روایت کرد جد ما از جبرائیل از باری تعالی ».

آری، ما شیعیان پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) از اهل بیت (علیهم السلام) پیروی می کنیم.

و بدین سبب ما را شیعیان اهل بیت می نامند.

و بدین سبب ما از شیعیان اهل بیت هستیم.

و بدین سبب در دلهای ما حب پیامبر و اهل بیت است.

و بدین سبب امیدواریم در قیامت با پیامبر و اهل بیت پیامبر محشور شویم.

زیرا پیامبر فرموده است: « مَنْ أَحَبَّ حَجْرًا حَشَرَهُ اللَّهُ مَعَهُ »، هر کس سنگی را [هم] دوست بدارد خداوند با آن محشورش می کند.

وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ

ساعت: ۱۱/۵۰

روز: چهارشنبه

۰۵ / خرداد ماه / ۱۳۹۵

کرمرضا خزلی

یار مهربان

www.bagheminoo.com

baghemino.1339@gmail.com

[Tel:09125411283-09356411283](tel:09125411283-09356411283)

گروه رضا خانی